

دکتر رابرت سی. نیومن، معجزات، جلسه ۵ معجزات عیسی بر قلمرو طبیعت

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

ما در حال ادامه‌ی دوره‌ی خود، یعنی «معجزات و معجزات عیسی» هستیم. می‌توان گفت چهار واحد اول ما تحت عنوان بزرگ‌تر «معجزات» قرار گرفت و به معجزات در عهد عتیق و عهد جدید پرداختیم، و سپس به معجزات در معجزات خارج از کتاب مقدس در مسیحیت، اگر مایل باشید، از آن زمان، پرداختیم، و سپس به ظهور علم و لیبرالیسم الهیاتی پرداختیم، و سپس به اعتراضات به معجزات پرداختیم. اکنون به نیمه‌ی دوم، که «معجزات عیسی» است، می‌پردازیم و در اینجا، اول از همه، به برخی مطالب مقدماتی در مورد معجزات، و سپس در مورد معجزات طبیعت، و سپس به اقتدار عیسی، اگر مایل باشید، بر قلمرو انسانی، و سوم، اقتدار عیسی بر قلمرو روح، خواهیم پرداخت.

بنابراین، به خواست خدا، ما به سمت این موضوع خواهیم رفت. معجزات. در یکی از سخنرانی‌های قبلی، این تعریف از معجزه کتاب مقدس را ارائه دادیم.

معجزه کتاب مقدس، رویدادی شگفت‌انگیز یا قابل توجه است که قدرتی ماوراءالطبیعه را به نمایش می‌گذارد و هدف آن، انتقال اهمیت خاصی است. اکنون به برخی از معجزات عیسی مسیح، که در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند، خواهیم پرداخت: معجزات بر قلمرو طبیعی، معجزات بر قلمرو انسانی و معجزات بر قلمرو روحی. ما به قدرت ماوراءالطبیعه هر معجزه خاص، واکنشی که از سوی بینندگان آن برمی‌انگیزد و اهمیت ظاهری معجزه خواهیم پرداخت.

همه اینها به ما چیزی در مورد اینکه عیسی کیست و برای چه کاری آمده است، یعنی شخصیت و کار عیسی، می‌گوید. بنابراین، معجزات فراتر از قلمرو طبیعی. می‌توانیم موارد زیر را به عنوان متعلق به گروه معجزات طبیعی طبقه‌بندی کنیم.

تبدیل آب به شراب. صید معجزه‌آسای ماهی. آرام کردن طوفان.

غذا دادن به ۵۰۰۰ نفر، همچنین غذا دادن به ۴۰۰۰ نفر. راه رفتن روی آب. سکه در دهان ماهی.

ما قرار خواهند گرفت، پوشش IBRI ما به برخی از این موارد که در پاورپوینت‌های دیگر که در وب‌سایت نداده‌ام، نگاهی خواهیم انداخت. بنابراین، بیایید اول از همه به نکته‌ی معجزه‌آسای که در لوقا ۵، آیات ۱-۱۱ به این شکل است NIV یافت می‌شود، نگاهی بیندازیم. این متن در ۱۱

روزی، هنگامی که عیسی در کنار دریاچه جنیسارت، دریای جلیل، ایستاده بود و مردم دور او جمع شده بودند و به کلام خدا گوش می‌دادند، در کنار آب دو قایق دید که ماهیگیران در آنجا رها کرده بودند و تورهای خود را می‌شستند. او سوار یکی از قایق‌ها، که متعلق به شمعون، شمعون پطرس بود، شد و از او خواست که کمی از ساحل فاصله بگیرد. سپس، نشست و از قایق به مردم تعلیم داد.

چون سخنش تمام شد، به شمعون گفت: «ماهی را به آب‌های عمیق ببر و تورها را برای صید به آب بینداز.» شمعون پاسخ داد: «ای استاد، ما تمام شب سخت تلاش کرده‌ایم و چیزی نگرفته‌ایم، اما چون تو می‌گویی، تورها را به آب می‌اندازم.» وقتی این کار را کردند، آنقدر ماهی گرفتند که نزدیک بود تورهایشان پاره شود.

بنابراین، آنها به همقطاران خود در قایق دیگر اشاره کردند که بیایند و به آنها کمک کنند، و آنها آمدند و هر دو قایق را آنقدر پر از ماهی کردند که نزدیک بود غرق شوند. وقتی شمعون پطرس این را دید، به زانوهای عیسی افتاد و گفت: «ای خداوند، از من دور شو، من مردی گناهکارم.» زیرا او و همه همراهانش از صید ماهی که گرفته بودند، شگفت‌زده شدند.

و یعقوب و یوحنا، پسران زبدي، شرکای شمعون نیز همینطور بودند. سپس عیسی به شمعون گفت: «نترس.» از این پس، مردم را صید خواهی کرد.

بنابراین، آنها قایق‌های خود را به ساحل آوردند، همه چیز را رها کردند و به دنبال او رفتند. تاریخچه این رویداد. پس از آغاز خدمت عمومی عیسی در جلیل، این اتفاق افتاد.

بنابراین، در اوایل خدمت عمومی عیسی، او در کنیسه‌ها تعلیماتی انجام داده بود و دیوها را بیرون می‌کرد و از این قبیل کارها. در حال حاضر، جمعیت زیادی به سمت عیسی هجوم می‌آوردند و دردسر این کار منجر به استفاده از قایق به عنوان سکوی سخنرانی می‌شود. بدیهی است که اگر در ساحل بایستید، مردم همچنان دور شما جمع می‌شوند و شما باید راهی برای دور نگه داشتن آنها داشته باشید، اما اگر سوار قایق شوید و از ساحل دور شوید، افرادی که در جلو هستند نمی‌خواهند خیلی به داخل آب بروند و این مانع از این کار می‌شود.

شاگردان تمام شب گذشته را بدون موفقیت ماهیگیری کرده بودند و حالا صید بزرگی داشتند. توضیحات مختلف و آزادانه‌ای وجود دارد. البته یکی از آنها این است که این یک تمثیل بود نه یک روایت تاریخی.

و خب، می‌دانید، حالا به جای ماهی، آدم صید می‌کنید، و این تمثیل در مورد همین است. خب، بدیهی است که نوعی تعبیر نمادین دارد، همانطور که خود عیسی می‌گوید، ها؟ بنابراین، پیشنهاد آنها اولین اشاره به دریافت انجیل توسط غیریهودیان است. صید دوم، صید بزرگ، غیریهودیان هستند، و اولین تلاش شبانه که هیچ صیدی نمی‌شود، یهودیان هستند.

بنابراین، یک صید عالی، یک واکنش عالی در مقابل واکنش یهودیان. اگر از نظر تاریخی بررسی کنیم، لیبرال‌ها می‌گویند که عیسی ماهی را دید و به شاگردانش گفت. خب، اینجا جایی است که کمی فیزیک وارد می‌شود.

از چه فاصله‌ای از قایق می‌توان ماهی را در آب دید؟ وقتی ماهی‌ها از آب بیرون می‌پرند، می‌توان آنها را از فاصله‌ی خیلی دور دید، خب؟ اما این اتفاق زیاد نمی‌افتد. یک زاویه‌ی بحرانی در سطح مشترک هوا و آب وجود دارد که اگر بیش از این تعداد درجه از حالت عمودی فاصله داشته باشید، چیزی که می‌بینید انعکاس از بالای آب است، نه نوری که از زیر آب به بالا می‌آید. آن زاویه‌ی بحرانی ۴۸:۵ درجه است.

بنابراین، عیسی، با چشمانی که مثلاً حدود شش فوت بالاتر از سطح آب هستند، در یک قایق ایستاده، بنابراین در واقع پاهای او احتمالاً زیر سطح آب هستند، نمی‌تواند بیش از حدود هفت فوت از قایق را در آب ببیند. بنابراین، این واقعاً دیدن تعداد زیادی ماهی در آب را دشوار می‌کند. بنابراین، بینایی طبیعی توضیح احتمالی نیست.

شواهد تاریخی، ما ماشین زمان نداریم. بنابراین، یک فرد شکاک می‌تواند هر چیزی را پس از گذشت مدتی انکار کند. مشخصات افراد، تعداد قایق‌ها و جزئیات ماهیگیری جالب است و می‌تواند به خوبی نشان دهنده دیدگاه یک شاهد عینی از موضوع باشد.

حال و هوای این معجزه با آنچه در کتب آپوکریفا و مواردی از این دست که قبلاً بررسی کردیم، کاملاً متفاوت است. واکنش شاهدان عینی این است که مشخص نیست آیا جمعیت هنوز در این لحظه در اطراف هستند یا خیر. اما پطرس وقتی متوجه می‌شود که این موضوع چه چیزی را در مورد عیسی به او می‌گوید، از گناه خودش متأثر می‌شود.

او اوایل وقتی عیسی گفت این کار را انجام دهید، تمایل داشت آن را نادیده بگیرد، چون آنها قبلاً این کار را انجام داده بودند و وسط روز وقت ماهیگیری نیست. آنها تمام شب بیرون بودند، که زمان بهتری برای ماهیگیری است. اما حالا، وقتی متوجه می‌شود که در آن زمان چه نگرشی داشته است، می‌بیند که عیسی چه کرده است.

این تا حدودی با تجلیات الهی در عهد عتیق قابل مقایسه است، که در آن افرادی که با خدا در ارتباط بودند ناگهان به گناه خود پی بردند. شاگردان، در واکنش خود، همه چیز را رها کردند تا از عیسی پیروی کنند. بنابراین، آنها متوجه شدند که این یک ترفند هوشمندانه نبوده، بلکه خود عیسی است.

آنها بدیهی است که در حال حاضر کل قضیه تثلیث را با هم ندارند، اما متوجه شده‌اند که عیسی حداقل یک پیامبر بزرگ است و یک راه خوب برای گذراندن بخش کوچکی از زندگی‌شان این است که شاگرد او شوند. پیشینه عهد عتیق. من معمولاً به دانشجویانم پیشنهاد می‌کنم وقتی به معجزات عیسی نگاه می‌کنند، نگاهی به پیشینه عهد عتیق بیندازند.

چرا اینطور است؟ این همان پیش‌زمینه‌ای است که حضار باید می‌داشتند. شاگردان عیسی، افراد دیگری که آنجا ایستاده‌اند. آنها عهد جدید را نخوانده‌اند، خب؟ آنها پیش‌زمینه عهد عتیق را دارند.

خب، چه کار کنیم؟ این می‌تواند منبع بسیار احتمالی برای هرگونه اهمیت نمادین معجزات باشد. این قرار است پس‌زمینه باشد. اینها چیزهایی هستند که این افراد در دوران کودکی در مورد کارهایی که خدا در طول تاریخ انجام داده، شنیده‌اند.

و اگر این وقایع اهمیت نمادین داشته باشند، احتمالاً منبع آن نیز همین خواهد بود. و معجزات مشابه. خب، روایتی از یونس در مورد جابجایی یک ماهی وجود دارد.

بنابراین، رساندن یک ماهی به جای مناسب، به طوری که وقتی یونس به دریا می‌افتد، آنجا منتظرش باشد. جابجایی تعداد زیادی حیوان. این در چندین جا خود را نشان می‌دهد.

طاعون‌های مصری. پشه‌ها و قورباغه‌ها و از این جور چیزها. و از این قبیل.

بلدرچین در بیابان که خدا برای خوراک بنی‌اسرائیل پرورش می‌دهد. جابجایی تعداد زیادی از حیوانات. شباهت‌های دیگر، نه معجزات.

ماهی در عهد عتیق. پیدایش ۱:۲۸ و مزمور ۸:۸ به ما می‌گویند که انسان‌ها برای حکومت بر ماهی‌ها، در کنار چیزهای دیگر، ساخته شده‌اند. خب، این جالب است.

این روزها ما خیلی نمی‌توانیم بر ماهی‌ها حکومت کنیم. اما شاید این موضوع چیزی در مورد عیسی به ما بگوید. برگردید و در مورد آن فکر کنید.

در عوض، در پیدایش ۹:۲، ماهی‌ها از انسان‌ها می‌ترسند و فرار می‌کنند. احتمالاً این نتیجه‌ی سقوط یا وضعیت پس از سقوط است. با این حال، ایوب ۷:۱۲-۱۰ به ما می‌گوید که ماهی‌ها در دست خدا هستند

بنابراین، خدا ماهی‌ها را کنترل می‌کند. بنابراین، پیدایش ۱:۲۸. خدا آنها را برکت داد و به آنها گفت: بارور و کثیر شوید. زمین را پر کنید و بر آن تسلط یابید.

بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و هر موجود زنده‌ای که بر زمین حرکت می‌کند، حکومت کنید. پیدایش ترس و وحشت شما بر همه حیوانات زمین و همه پرندگان آسمان و بر هر موجودی که بر زمین حرکت ۹:۲. می‌کند، خواهد افتاد.

بر تمام ماهیان دریا. آنها به دست شما سپرده شده‌اند. ایوب ۷:۱۲-۱۰. از حیوانات پرسید، و آنها به شما خواهند آموخت.

یا پرندگان آسمان، و آنها به تو خواهند گفت. یا با زمین سخن بگو، و آن به تو خواهد آموخت. بگذار ماهیان دریا به تو خبر دهند.

کدام یک از اینها نمی‌داند که دست خداوند این کار را انجام داده است؟ جان هر موجودی و نفس همه انسان‌ها در دست اوست. اهمیت معجزه چیست؟ خب، تأثیر فوری. ماهیگیران صیدی تماشایی به دست می‌آورند.

و به آنها چیزی در مورد عیسی نشان داده شده است. در مورد جایگاه او در تاریخ نجات چطور؟ این اغلب چیزی است که باید در مورد آن فکر کرد. به جای اینکه فقط تمام این وقایعی را که در کتاب داوران پادشاهان، تواریخ، انجیل‌ها و اعمال رسولان رخ می‌دهد، در نظر بگیریم.

این فقط داستان‌های جالب فردی است. اما چگونه آنها با آنچه خدا در تاریخ انجام می‌دهد، مطابقت دارند؟ خب، عیسی آدم دوم است. او می‌آید تا آنچه را که آدم از دست داده است، بازگرداند.

آدم، به یک معنا، شاید سلطه‌ی ارادی خود بر ماهی‌ها را از دست داده است، اگر دوست دارید. اما اکنون عیسی آن را احیا کرده است. بنابراین، عیسی قادر است این ماهی‌ها را به تور بیندازد.

ما نمی‌دانیم او چطور این کار را می‌کند، خب؟ اما این کاری است که او انجام می‌دهد. عناصر نمادین. خب عیسی همین الان هم این را به ما می‌دهد، نه؟ شاگردان برای انسان‌های دیگر مثل ماهیگیران برای ماهیگیری خواهند بود.

من شما را صیاد انسان‌ها خواهم کرد. اگر دوست دارید، شما انسان‌ها را در پادشاهی گرد هم خواهید آورد. این اساساً همان چیزی است که عیسی در پایان ما می‌گوید.

بنابراین، این یک تشویق برای آنهاست که اگر با عیسی همکاری کنند، می‌توانند ماهی بزرگی مانند این صید کنند. بنابراین، با همکاری با عیسی، افراد زیادی وارد پادشاهی خواهند شد. همانطور که خدا موفقیت ما را در ماهیگیری کنترل می‌کند، در نجات مردم نیز همینطور است.

به سراغ معجزه دوم بر طبیعت می‌رویم، و آن غذا دادن به ۵۰۰۰ نفر است. این موضوع در متی ۱۴، مرقس لوقا ۹، و یوحنا ۶ آمده است. بیایید به یوحنا ۶ نگاه کنیم. مدتی پس از این، عیسی به ساحل ۶،

دوردست دریای جلیل، دریای طبریه، رفت. و جمعیت زیادی از مردم به دنبال او رفتند زیرا نشانه‌های معجزه‌آسایی را که او بر روی بیماران انجام داده بود، دیده بودند.

سپس عیسی به دامنه کوهی رفت و با شاگردانش نشست. عید فصح یهود نزدیک بود. وقتی عیسی به بالا نگاه کرد و جمعیت زیادی را دید که به سمت او می‌آیند، از فیلیپ پرسید: «از کجا می‌توانیم برای این مردم غذا بخریم؟» او این را فقط برای امتحان پرسید، زیرا او از قبل می‌دانست چه کاری می‌خواهد انجام دهد.

فیلیپ به او پاسخ داد که با هشت ماه حقوق، نان کافی برای هر کدامشان نمی‌شود که یک لقمه بخورند. یکی دیگر از شاگردانش، اندریاس، برادر شمعون پطرس، گفت: «اینجا پسری با پنج نان جو کوچک و دو ماهی کوچک است.»

اما آنها تا کجا می‌توانند در میان این همه جمعیت پیش بروند؟ عیسی گفت: «مردم را بنشانید.» در آن مکان علف فراوان بود و مردان، حدود ۵۰۰۰ نفر، نشستند. سپس عیسی نان‌ها را گرفت، شکر کرد و به هر تعدادی که نشسته بودند، به آنها داد.

او همین کار را با ماهی‌ها کرد. وقتی همه به اندازه کافی غذا خوردند، به شاگردانش گفت تکه‌های باقی‌مانده را جمع کنند. نگذارید چیزی هدر برود.

بنابراین، آنها را جمع کردند و دوازده سبد را با تکه‌های پنج نان جو که از خوردن آنها باقی مانده بود، پر کردند. پس از اینکه مردم معجزه عیسی را دیدند، گفتند: «مطمئناً این همان پیامبری است که قرار است به جهان بیاید.» احتمالاً اشاره به متن موجود در تثنیه ۱۸ دارد.

عیسی، با دانستن اینکه آنها قصد دارند بیایند و او را به زور پادشاه کنند، دوباره به تنهایی به کوهی پناه برد. کمی در مورد اهمیت تاریخی این رویداد، این مناسبت، فکر کنید. این بخش پایانی خدمت عیسی در جلیل است.

دوازده نفر تازه از مأموریت خود بازگشته‌اند. ما این را در لوقا می‌بینیم. عیسی تازه از اعدام یحیی تعمید دهنده خبر داشته است.

این موضوع در متی برای ما ذکر شده است. همانطور که به صراحت در مرقس ذکر شده است، عیسی شاگردان را به تنهایی برای استراحت بیرون می‌برد. جمعیت نیز به دنبال او می‌روند.

عیسی تمام روز به آنها آموزش می‌دهد و سپس عصرها به آنها غذا می‌دهد: توضیحات لیبرال، درسی در مورد به اشتراک گذاشتن. بسیاری غذا را پنهان کرده‌اند، اما از به اشتراک گذاشتن آن می‌ترسند.

هر کدام فکر می‌کنند، من تنها کسی هستم که این را دارد، و اگر آن را فاش کنم، پنج هزار نفر به من حمله می‌کنند و غیره. اما پسر کوچک داستان خودش را تعریف می‌کند، و همه شرمند می‌شوند، و داستان را تعریف می‌کنند. این یک توضیح لیبرال است.

داستان دیگری که برای مقایسه با الیاس و الیشع ساخته شده است. الیاس، اول پادشاهان ۱۷:۱۳، الیاس به او، زنی از اهل صرفة، گفت: «نترس، به خانه برو و همانطور که گفתי عمل کن، اما ابتدا از آنچه داری یک قرص نان کوچک برای من بپز و آن را نزد من بیاور و سپس چیزی برای خودت و پسرت بپز. زیرا خداوند خدای اسرائیل، چنین می‌گوید: تا روزی که خداوند باران بر زمین نباراند، کوزه آرد تمام نخواهد شد و کوزه روغن خشک نخواهد شد.»

یا الیشع، دوم پادشاهان ۴، ۴۲، مردی از بعل شلیشا آمد و بیست قرص نان جو، پخته شده از اولین دانه «رسیده، به همراه چند خوشه گندم تازه، برای مرد خدا آورد. الیشع گفت: «آن را به مردم بده تا بخورند.» خادمش پرسید: «چطور می‌توانم این را جلوی صد نفر بگذارم؟»

اما الیشع پاسخ داد: «آن را به مردم بده تا بخورند، زیرا خداوند چنین می‌گوید: آنها خواهند خورد و مقداری هم باقی خواهد ماند.» سپس آن را جلوی آنها گذاشت و آنها خوردند و مقداری هم باقی ماند، طبق کلام خداوند. بنابراین، داستانی ساختگی برای مقایسه این دو معجزه و روایت‌های الیاس و الیشع ساخته شد.

خب، به عنوان مدرکی دال بر تاریخی بودن، هر چهار انجیل این موضوع را با تنوع قابل توجهی ثبت کرده‌اند به نظر نمی‌رسد که از یکدیگر کپی‌برداری کرده باشند. جزئیات مکان، قلمرو بیت‌صیدا و جولوس، حتی چمن سبز، چیزی که در آب و هوای اسرائیل وجود دارد، نسبتاً نادر است، اساساً یک پدیده بهاری است.

اگر مایلید، اطلاعاتی در مورد وقایع به ما بدهید. اشاره به کوفینوی، سبدهای غذایی استاندارد یهودیان و. خیلی عجیب است که عیسی باقیمانده غذاها را جمع کرده است.

شما هرگز چیزی شبیه به این، یک معجزه‌ی جعلی، که مثلاً سفره را پهن می‌کنند و دستور می‌دهند، و غذا روی آن ظاهر می‌شود، و از این قبیل چیزها، نخواهید دید. عیسی غذاهای مانده را جمع کرده است. این نشان می‌دهد که عیسی معجزات را بدیهی نمی‌دانست و از آنها در موقعیت‌های غیرضروری استفاده می‌کرد.

واکنش شاهدان عینی فقط توسط یحیی گزارش شده است. این پیامبر است! تثنیه ۱۵: ۱۸، پیامبری خواهد آمد که پس از شما ظهور خواهد کرد، مانند شما و غیره. بنابراین، یکی از چهره‌های آخرالزمانی، اگر دوست دارید، از دوره بین دو عهد، علاوه بر مسیح، مسیح داوودی و مسیح هارون، یک مسیح احتمالی کاهن، و پیامبر بود.

آنها در شرفِ مجبور کردن او به پادشاهی بودند. آنها آشکارا به دنبال کسی بودند که آنها را از دست رومیان نجات دهد، و اگر کسی را داشتید که می‌توانست همیشه غذا تأمین کند، این می‌توانست یک مشکل لجستیکی عظیم در نبردها علیه رومیان را حل کند، ها؟ بنابراین، عیسی دوازده شاگرد را در بخش‌های موازی با قایق می‌فرستد، جمعیت را مرخص می‌کند و برای دعا به تپه‌ها می‌رود. پیشینه عهد عتیق

معجزات مشابهی علاوه بر تبدیل آب به شراب در قانا و سیر کردن چهار هزار نفر. همچنین من در بیابان، خروج ۱۶، اعداد ۱۱، تثنیه ۸، یوشع ۵، نحما ۹، مزمور ۷۸. از ویژگی‌های اصلی سرگردانی در بیابان

تدارک بلدرچین در بیابان، خروج ۱۶، شماره ۱۱، مزمور ۷۸، مزمور ۱۰۵ در بیابان. الیاس و بیوه زن صرفه که همین الان به آنها اشاره کردیم، اول پادشاهان ۱۷. روغن چند برابر شد تا بیوه زن دیگری را از فروش پسرانش به بردگی نجات دهد، دوم پادشاهان ۴. و نان و غلات چند برابر شد، دوم پادشاهان ۴. در واقع هر دوی اینها تحت حکومت الیشع هستند.

شباهت‌های دیگر. خدا روزی می‌دهد. چند متن

مزمور ۱۰۴: ۲۷ و مزمور ۱۳۲: ۱۵. به آنها نگاه کنید.

مزمور ۱۰۴: ۲۷ و آیات بعدی. این حیوانات همگی از تو انتظار دارند که در زمان مناسب به آنها غذا بدهی. وقتی به آنها غذا بدهی، آن را جمع می‌کنند.

وقتی دستت را باز می‌کنی، از چیزهای خوب سیر می‌شوند. وقتی رویت را می‌پوشانی، وحشت می‌کنند. وقتی نفسشان را می‌گیری، می‌میرند و به خاک برمی‌گردند.

و مزمور ۱۳۲:۱۵. من او، ای صهیون، را با آذوقه فراوان برکت خواهم داد. برای فقیران، از غذا سیر خواهم شد.

شما همچنین دیدگاه‌های کلاغ‌گرایانه‌ای در مورد لویاتان و بهیموت دارید. خدا آنها را به عنوان غذا برای اسرائیل در آخرالزمان فراهم خواهد کرد. اهمیت این معجزه چیست؟ تأثیر فوری

جمعیتی بالغ بر ۵۰۰۸ نفر هر چه می‌خواستند به دست آوردند و بیش از آنچه در ابتدا وجود داشت، باقی ماند. آنها می‌خواهند عیسی را پادشاه کنند. جایی در تاریخ نجات

قابل مقایسه با موسی با اسرائیل در بیابان. همچنین به تثبیه ۱۵:۱۸، آیتی از پیامبران مانند موسی مراجعه کنید. یکی از چیزهایی که در معجزات عیسی اتفاق افتاد این است که توجه مردم را به زمان‌های گذشته در تاریخ نجات جلب کرد، زمانی که خدا کارهایی مانند آن را انجام داده بود.

آن زمان‌ها، زمان موسی، الیشع و الیاس است. اما ارتباط عیسی با معجزه بسیار مستقیم‌تر از موسی است. برای ما، خدا به موسی می‌گوید.

موسی اعلام می‌کند که این اتفاق خواهد افتاد. و شروع به اتفاق افتادن می‌کند. عیسی نان و ماهی را می‌گیرد و شروع به تکه تکه کردن آنها می‌کند.

و شروع به تکثیر می‌کند. و ما نمی‌دانیم چه شکلی بوده. ما آنجا نیستیم.

بنابراین، آیا عیسی همه آن را به طور کامل مدیریت می‌کند؟ یا اینکه همچنان که شاگردان آن را در سبد یا چیزی شبیه به آن حمل می‌کنند، به تکثیر خود ادامه می‌دهد؟ نمی‌دانم. اما در مورد 20 قرص نان جو که صد نفر را سیر می‌کرد، ما هم چیزی نمی‌دانیم. ما دقیقاً نمی‌دانیم که آن روش چگونه کار می‌کرد.

ما آنجا نبودیم تا آن را ببینیم و راوی هم به ما نگفت. اما ارتباط عیسی با معجزه بسیار مستقیم‌تر از موسی است. یکی دیگر از ویژگی‌های معجزات عیسی این است که آنها نه تنها با معجزات موسی و الیاس قابل مقایسه هستند، بلکه آنها نمونه‌ای از آنها نیز هستند - ارتباط عیسی مستقیم‌تر است.

اهمیت معجزه، برخی عناصر نمادین. سخنرانی عیسی در روز بعد، یوحنا ۶:۲۲ تا ۷۱، که به این جمله، برمی‌گردد: «من نان حیات هستم»، و این موسی نبود که شما را با انسان سیر کرد و بیابان خدا بود، و غیره که توجه مردم را به اهمیت این موضوع جلب می‌کند. او همچنین این را به بخشیدن جان خود برای حفظ انسان مرتبط می‌کند، و این تصویری از مرگ عیسی خواهد بود.

و ما امروز این را مستقیماً در ارتباط با شام خداوند می‌بینیم. این بدن من است که برای شما شکسته شده است. اگر دوست دارید، به آن نگاه می‌کند.

خب، این نگاهی به آینده است. بنابراین، اهمیت آن چیزی شبیه به عشای ربانی است. ما به سومین معجزه طبیعت، یعنی سکه در دهان ماهی، متی ۱۷، می‌پردازیم.

این متن، متی ۱۷:۲۴، ۲۷ است. پس از ورود عیسی و شاگردانش به کفرناحوم، می‌توان گفت که آنها در یک سفر موعظه بودند؛ مأموران جمع‌آوری مالیات دو دراخما نزد پطرس آمدند و پرسیدند، آیا معلم شما مالیات معبد را پرداخت نمی‌کند؟ او پاسخ داد: بله، او پرداخت می‌کند. وقتی عیسی وارد خانه شد، وقتی پطرس وارد خانه شد، عیسی اولین کسی بود که صحبت کرد.

پطرس پرسید: «ای شمعون، نظر تو چیست؟» «پادشاهان زمین از چه کسانی مالیات و عوارض می‌گیرند؟ از پسران خود یا از دیگران؟ پطرس پاسخ داد: از دیگران.» عیسی به او گفت: «پس پسران معاف هستند»

اما برای اینکه آنها را نرنجانیم، به دریاچه برو، قلاب خود را بینداز، اولین ماهی را که گرفتی بردار، دهانش را باز کن، یک سکه چهار دراخما خواهی یافت. آن را بگیر و برای مالیات من و خودت به آنها بده. اهمیت تاریخی این رویداد، مناسبت آن، در اواخر خدمت در جلیل.

عیسی تازه به کفرناحوم برگشته بود و خیلی خودمانی به نظر نمی‌رسید، مرقس ۹:۳۰. کسانی که مالیات نیم، شِکِل را جمع‌آوری می‌کردند از پطرس سوال پرسیدند، و نیم شِکِل و تِترادرکم اساساً به یک اندازه هستند بنابراین مالیات دو درکم می‌شود. آیا عیسی مالیات می‌دهد؟ و پطرس، با دانستن اینکه عیسی پرهیزگار و از این قبیل است، می‌گوید، بله، بله. با این حال، عیسی وقتی پطرس وارد اتاق می‌شود، سوال او را پیش‌بینی می‌کند و با سوال خودش و با معجزه‌اش پاسخ می‌دهد.

مدرکی دال بر تاریخی بودن؟ خب، جزئیاتی از مالیات. در اینجا در این روایت به جای نیم شِکِل، مالیات دو دراخما نامیده می‌شود. اصطلاح استفاده شده، اصطلاح ترجمه هفتادگانی نیست، اما با کاربرد امروزی آن مطابقت دارد.

اصطلاحی که در اینجا به کار رفته است، استاتور است که یکی از اصطلاحات چهارگانه است. پاسخ عجیب عیسی از نظر اهمیت بسیار مهم است. یعنی او نه تنها به فرزند خود اشاره می‌کند، بلکه در این مورد به فرزند پطرس نیز اشاره می‌کند.

واکنش شاهدان عینی؟ خب، این یک معجزه جالب است. این اتفاق حتی گزارش هم نشده است. ما فقط می‌بینیم که عیسی به پطرس می‌گوید چه کار کند، و فرض بر این است که این اتفاق افتاده است، چه برسد به واکنش‌های شاهدان عینی.

پیشینه عهد عتیق؟ معجزات مشابه. خب، حرکت حیوانات وجود دارد، معجزاتی که قبلاً دیدیم، و البته، این احتمالاً شامل حرکت یک ماهی، رساندن ماهی مناسب به قلاب پطرس برای گرفتن آن است. بنابراین، واقعه یونس، واقعه بلدرچین، واقعه طاعون و غیره.

تأمین مالی؟ خب، روغن برای بیوه است تا بتواند آن را بفروشد و سپس بدهی‌های شوهرش را که فوت کرده بود، بپردازد تا پسران نیازی به فروش به بردگی نداشته باشند. از قبل می‌دانست؟ سموئیل می‌داند که قرار است چه اتفاقی برای شائول بیفتد و فردای آن روز چه خواهد کرد، اول سموئیل ۱۰. اهمیت؟ در این لحظه، مالیات معبد پرداخت می‌شود.

عیسی در مورد ماهیت اجباری آن به پطرس نکته‌ای را گوشزد می‌کند. زیرا اکنون، به نوعی، برای عیسی و پطرس، دیگر اجباری نیست. و او این نکته را با معجزه‌ای مهر و موم می‌کند.

جایگاهش در تاریخ نجات؟ کسی که ماهی‌ها را کنترل می‌کند به زمین آمده، باشه؟ رابطه‌اش با پدر با بقیه فرق دارد. مالیات معبد برای کفار روح شما بود، نکته جالبی بود. و اگر دوست دارید، عیسی نیازی به کفار

ندارد، اما دیگران را به رابطه‌ای مشابه وارد می‌کند، باشه؟ این کار جواب نداد، باشه، فقط در معجزه به آن اشاره شد.

عناصر نمادین؟ مالیات و کفاره نیم شیکل، در خروج ۳۰، آیات ۱۳ تا ۱۶ آمده است. هر کسی که به سوی کسانی که قبلاً شمرده شده‌اند می‌رود، این مالیات را با جمع کردن جمعیتی در اینجا انجام می‌دهد، و سپس هر کدام بیرون می‌آیند، نیم شیکل پرداخت می‌کنند و حرکت می‌کنند و جمعیت دیگری را تشکیل می‌دهند. هر کسی که به سوی کسانی که قبلاً شمرده شده‌اند می‌رود، باید نیم شیکل بدهد، مطابق با شیکل مقدس که معادل ۲۰ گرا است.

این نیم مثقال (واحد پول اسرائیل) هدیه‌ای به خداوند است. همه کسانی که از مرز عبور می‌کنند، چه بیست سال و چه بیشتر، باید هدیه‌ای به خداوند بدهند. ثروتمندان نباید بیش از نیم مثقال بدهند. فقرا نباید هنگام تقدیم قربانی برای خداوند برای کفاره جانشان، کمتر بدهند.

است؛ می‌تواند به معنای جان‌ها نیز باشد. به هر حال، این کفاره است. پول کفاره را از NIV این ترجمه بنی اسرائیل دریافت کنید و از آن برای خدمت به خیمه اجتماع استفاده کنید.

این یادبودی برای بنی اسرائیل در پیشگاه خداوند خواهد بود و کفاره‌ای برای جان شما خواهد بود. ارتباط مسیحیان با شریعت. این موضوع بسیار بحث‌برانگیز است.

این یکی از قسمت‌هایی است که به این موضوع مربوط می‌شود. خب، این پایان سفر ما به عیسی و معجزات، و به ویژه قدرت او، اگر دوست دارید، بر طبیعت است.